

فرنگ و ارہ ما اری ابویر احمد

مؤلفان: استاد مقیمی
دکتر حسین نقاری
دکتر محمد حسن سالق زاده
جبار مقیمی

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ واژه‌های لری بویراحمادی /
 نویسندگان محمدهادی خالق‌زاده... [و دیگران].
 مشخصات نشر: سی‌سخت: فرهنگ مانا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۸۲۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۰۰۴-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت: نویسندگان محمدهادی خالق‌زاده، جلیل نظری، افضل
 مقیمی، جبار مقیمی.
 موضوع : بویراحمادی -- واژه‌نامه‌ها
 موضوع : لری -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
 شناسه افزوده : خالق‌زاده، محمدهادی، ۱۳۵۱ -
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ف۸۳ب / PIR۳۲۸۴
 رده بندی دیویی : ۳/ج۹ف۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۴۵۰۲۴



فرهنگ واژه‌های لری بویراحمادی

مؤلفان: افضل مقیمی، دکتر جلیل نظری، دکتر محمد هادی
 خالق‌زاده، جبار مقیمی

صفحه آرا: یاسر عزآباد

طراح جلد: محمدرضا چشمه

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول: ۱۳۹۴

نشر: فرهنگ مانا

لیتوگرافی: ماورا

چاپ: زیتون سبز

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۰۰۴-۰

قیمت: ۵۸۵۰۰ تومان

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

پیشگفتار

گویش‌های ایرانی، گنجینه‌هایی هستند که بررسی آن‌ها می‌تواند هم در هم‌بستگی و استواری پیوندهای قومی، ملی و مذهبی، و هم در انتقال میراث‌های فرهنگی مؤثر باشند. از این جهت، تدوین و جمع‌آوری واژگان این گویش‌ها، بر دیگر جنبه‌ها اولویت دارد. در پاسخ به این اولویت و نیاز است که نگارندگان این فرهنگ، شوق‌مندانه به این کار دست زدند و اکنون که به پایان آمده است، رضایت خاطری را در خود احساس می‌کنند.

«لری» گویشی است که از منطقه جغرافیایی، در سه استان «لرستان»، «چهارمحال و بختیاری» و «کهگیلویه و بویراحمد» و مناطق از استان‌های «فارس»، «خوزستان»، «همدان»، «اصفهان»، «بوشهر»، «کرمان»، «مرکزی و قم» گسترش یافته و مردم به آن تکلم می‌کنند. این گویش، از گروه گویش‌های ایرانی جنوب غربی را تشکیل می‌دهد. منطقه فارسی میانه‌ی جنوب غربی و فارسی باستان و یکی از نزدیک‌ترین گویش‌های ایران به زبان فارسی معیار است. تا آن‌جا که می‌توان گفت این گویش یکی از گونه‌های ممتاز زبان فارسی است. لری بویراحمدی، گویشی است که ساکنان شهرستان «بویراحمد» و روستاهای پیرامون آن، به آن تکلم می‌کنند. این گویش با گویش‌های مناطق دیگر کهگیلویه و بویراحمد، به خصوص کهگیلویه، اندک تفاوت آوایی و واژگانی دارد و به نوعی گویش مرکزی است. به این معنی که همه‌ی ساکنان استان، آن را به سهولت درک می‌کنند و به کار می‌برند. نگارندگان در تهیه این فرهنگ از دو شیوه‌ی میدانی و کتابخانه‌ای سود برده‌اند. در شیوه‌ی میدانی بیش از بیست هزار فیش تهیه شده و برای اصمیان از صحت مطابقت، در مناطق بویراحمد به ویژه «سررود» در گفت‌وگو با گویش‌وران ۵۰ تا ۷۰ ساله، به چنین توفیقی دست یافته‌اند.

در شیوه‌ی کتابخانه‌ای از سه دسته مرجع بهره برده‌اند:

۱. منابع مکتوب محلی شامل یک مجموعه شعر، دو عنوان فرهنگ لغات و اصطلاحات، به منظور مقابله‌ی برخی واژه‌ها و ضرب‌المثل‌ها.

۲. منابع دست اول و معتبر اصلی و ترجمه‌ای برای یافتن ریشه‌ی واژگان مادر.
۳. فرهنگ‌های فارسی بویژه «فرهنگ فارسی معین»، «فرهنگ روز سخن» و «فرهنگ معین» به منظور یافتن معانی علمی، روشن و روان برای هر یک از واژه‌ها، جمله‌ها، ضرب‌المثل‌ها و هم‌چنین ریشه و تبار واژه‌های مدخل.
۴. این نکته فتنی است که مقصود ما از واژگان مادر، واژه‌هایی است که از دیرینه‌ترین روزگار زبان‌های ایرانی به کار رفته و تا امروز به همان معنی یا معانی ولی با تفاوت آوایی باقی مانده‌اند، هم چون: شب، روز، دست، پا، چشم، گوش، انگشت، آب، درخت، اسب، گاو، آسمان، زمین، پدر، مادر، خواهر، برادر و ...
۵. آوا نگاری واژه‌ها، همانند و سرب‌المثل‌های لری در این فرهنگ، یکی از شیوه‌های مورد قبول در بررسی علمی گویش‌ها است که برای رعایت تناسب با آوا نویسی زبان‌های ایرانی از میان شیوه‌های دیگر برگزیده شده است.
۶. هرگز نمی‌توان ادعا کرد که کار انجام گرفته، بی‌عیب بوده و کاستی در آن راه نیافته است، زیرا این تحقیق از پایه، به صورت میدان انجام گرفته و منابع اصلی آن، زنان و مردان سال‌خورده بوده و همت آنان در انجام این کار، دست‌نخورده تام داشته است. از سوی دیگر، آثار مکتوب از این گویش، در اختیار نگارندگان نبوده است تا به پشتوانه‌ی آن‌ها کاری به سامان‌تر انجام گردد.
۷. در این جا نگارندگان این فرهنگ، با اعتراف به کاستی کار خود، و امید به آن‌که محققان دیگر، بتوانند در پژوهش‌های آتی، این کاستی‌ها را جبران کنند، مراتب سپاس خود را از یاری‌کنندگان این اثر، ابراز می‌دارند:
۱. از زنان و مردان ایل بزرگ بویراحمد، به ویژه مردم «سررود» در برابر یاری‌گری‌های بی‌دریغشان در گفت‌وگوهای صمیمانه با پژوهش‌گران این فرهنگ، خاضعانه سپاس‌گزاری کرده و این مجموعه را به آنان تقدیم می‌کنیم.
۲. پای‌مردی و همت جناب آقای امین کمالوندی مدیر کل محترم و فرهیخته‌ی سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد، پشتوانه‌ی مهمی بود، هم

فرهنگ واژه‌های لری بوبراحمدی

- در استقبال از مجامع بین‌کار و هم‌درپی‌گیری چاپ و انتشار و به فرجام رسیدن آن، در این‌جا از این همه بلندنظری، حمایت و حمیت، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنیم.
۳. از جناب آقای نیکم حسینی پور سی‌سخت، مشاور معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به خاطر همکاری‌های دل‌سوزانه، که همت بزرگی برای ثبت فرهنگ استان کهگیلویه و بویراحمد را دارند تقدیر و تشکر می‌نماییم.
۴. در پایان، مراتب سپاس خود را از همه دست‌اندرکاران انتشارات «فرهنگ مانا» ابراز می‌داریم.
- جای آن است که از مهربانی‌ها و ژرف‌اندیشی جناب آقای دکتر رضا دهبانی‌پور مدیرکل معزز فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد برای همه‌ی تلاش‌ها سپاسگزاری نماییم.

نشانه‌های اختصاری

آرا.	آرامی	پا.	پی بستی
آرا - سر.	آرامی - سریانی	پس.	پسوند
آلم.	آلمانی	پیش.	پیشوند
ا.	اسم	تا.	تابع
ا. تا.	اسم و تابع	تر.	ترکی
اتب.	اتباع	تر-ف.	ترکی - فارسی
از آرا.	از آرامی	تر-مغ.	ترکی مغولی
از چپ.	از چپ	تن.	تنوین
از سف.	از سف	چپ.	چینی
از ع.	از عربی	ح.	حرف
از فر.	از فرانسوی	ح ا.	حروف الفبا
از لا.	از لاتین	رو.	روسی
اص.	اصطلاح	رو-ف.	روسی - فارسی
ا. ص.	اسم و صفت	سر.	سریانی
ا. ق.	اسم و قید	سر-ف.	سریانی - فارسی
اصو.	اسم صوت	سر-یو.	سریانی - یونانی
ا. صو.	اسم و صوت	سف.	سغدی
ا. عد.	اسم و عدد	سف-تر.	سغدی - ترکی
انگ.	انگلیسی	سند.	سنسکریت
انگ - ف.	انگلیسی - فارسی	ش.	شناسه
ایتا.	ایتالیایی	شا.	شاخص
با.	بابلی	شج.	شبه جمله

ص.	صفت	لا.	لاتین
ص. ا.	صفت و اسم	لا- ف.	لاتین-فارسی
ص. ق.	صفت و قید	مم.	ممیز
صو.	صوت	معر.	معرب
- صو. اصو.	صوت و اسم صوت	معر - از اکد.	معرب از اکدی
ض.	ضمیر	معر- از عب.	معرب از عبری
ض. ض.	ضمیر و صفت	معر- از فا.	معرب از فارسی
ع.	عربی	معر- از لا.	معرب از لاتین
ع- از آرا.	عربی آرا	معر- از هند.	معرب از هندی
ع- ف.	عربی-فارسی	مصل.	مصدر فعل لازم
عب.	عبارت	من. م.	مصدر فعل متعدی
عد.	عدد	مصل. م.	مصدر متعدی لازم
ف.	فارسی	م.	میانوند
ف- ع.	فارسی-عربی	میا.	میانجی
ف- هند.	فارسی-هندی	هند.	هندی
فر.	فرانسوی	یو.	یونانی
فر- ف.	فرانسوی-فارسی	یو- ف.	یونانی-فارسی
فعد.	فعل	؟	ریشه و تبار نامعلوم
فعد- شج.	فعل و شبه جمله		
ق.	قید		
ق- ص.	قید و صفت		

نشانه‌های آوایی

۱. مصوت‌ها:

آوای دوم در واژه‌ی فارسی «بد» bad.	a
مصوت مرکب در واژه‌های اوستایی.	ao
مصوت مرکب در ایرانی باستان و فارسی باستان.	au
مصوت مرکب در ایرانی باستان و فارسی باستان.	ai
مصوت مرکب در واژه‌های اوستایی.	ae
در واژه‌های هندی کهن/ هندی باستان/ سنسکریت.	á
آوای دوم در واژه‌های لری «ره» ra: «راه».	a:
مصوت مرکب در واژه‌ی اوستایی و هند و اروپایی.	aē
آوای دوم واژه‌ی فارسی «دل» del.	e
در واژه‌های ایران باستان، اوستایی و فارسی میانه.	ē
در واژه‌های اوستایی.	ə
مصوت مرکب در واژه‌های اوستایی و هند و اروپایی.	ō
مصوت مرکب در هند و اروپایی	ōu
آوای دوم در واژه‌های لری «سه» se:	ei
آوای دوم در واژه‌ی فارسی «گل» gol.	e:
آوای دوم در واژه‌ی لری «گفت» go:t «گفت».	o
کشیده در واژه‌های اوستایی و فارسی میانه.	o:
آوای دوم در واژه‌ی فارسی «بام» bāo.	ō
در فارسی میانه.	â
آی بلند در واژه‌های اوستایی.	âi
آوای دوم در واژه‌ی لری «ماه» mā: «ماه».	ã
آوای دوم در واژه‌ی فارسی «بود» bud.	â:
در واژه‌های اوستایی و فارسی میانه و هند و اروپایی	u
در واژه‌های سنسکریت، هندی کهن.	ū
آوای دوم در واژه‌ی فارسی «دید» did.	ũ
در واژه‌های اوستایی فارسی میانه و هند و اروپایی	i
مصوت مرکب آوای دوم و سوم واژه‌ی فارسی «دی» dey.	ī
مصوت مرکب در واژه‌های فارسی میانه.	ey
مصوت مرکب آوای دوم و سوم واژه‌ی فارسی «دو» dow	ay
	ow

۲. صامت‌ها

b	ب	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «بار» bār.
P	پ	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «پدر» pedar.
t	ت، ط	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «تیر» tir.
ʈ	ط	در واژه‌های هند و اروپایی و سنسکریت.
s	س، ص، ث	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «سر» sar.
ś	ص، س	در واژه‌های هندی کهن / هندی باستان / سنسکریت
ʃ	ص	در واژه‌های سنسکریت و هندی کهن و باستانی و هند و اروپایی.
θ	ث	در واژه‌های اوستایی، فارسی باستان و ایرانی باستان.
j	ج	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «جبر» jabr.
ǰ	ج	در واژه‌های اوستایی، فارسی باستان و ایرانی باستان.
č	چ	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «چرم» čarm.
ç	چ	آوای ناشناخته‌ی صفیری در واژه‌های فارسی باستان.
c	چ	در واژه‌های هندی.
h	ح، هـ	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «هر» har.
x	خ	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «خوب» xub.
χ	خو	در واژه‌های اوستایی و فارسی میانه.
d	د	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «داس» dās.
ḍ		واژه‌ی لرّی «بد» baḍ در فارسی باستان و اوستا.
r	ر	تک زنبشی است. آوای اوّل واژه‌ی فارسی «بر» bar.
ṛ	ر	چند زنبشی است. آوای اوّل واژه‌ی فارسی «رود» řud.
ṛ	ر	در واژه‌های هندی.
z	ز، ذ، ض، ط	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «زهر» zahr.
ž	ژ	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «ژاله» žalc. در لرّی. جای این آوا معمولاً «ژ» می‌آید.
š	ش	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «شیر» šir.
ع، همزه		در این فرهنگ برای نشان دادن دو صامت ع و همزه‌ی آغازی از آوای «؟» استفاده نشده است.
γ	غ	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «غار» γār.
f	ف	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «فارسی» fārsi.
q	ق	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «قلم» qalam.
k	ک	آوای اوّل واژه‌ی فارسی «کر» kař.

آوای اوّل واژه‌ی لری «کله»: cēla: کلاه. توصیف آوایی آن: انسدادی	ک	c
، بی واک، نرکامی.		
در واژه‌های هند و اروپایی .	ک	k
آوای اوّل واژه‌ی فارسی «گرم» garm.	گ	g
آوای اول واژه‌ی لری «گله»: jēla: «گلوله». توصیف آوایی آن: انسدادی،	ج	j
با واک، نرکامی.		
در واژه‌های هند و اروپایی.	گ	ġ
آوای اوّل واژه‌ی فارسی «لرز» larz.	ل	l
آوای اوّل واژه‌ی فارسی «مار» mār.	م	m
آوای اوّل واژه‌ی فارسی «نرم» narm.	ن	n
در واژه‌های هندی باستان، سنسکریت و هندی کهن	ن غنه	ñ
آوای اول واژه‌ی فارسی «وام» vām.	ر	v
آوای اول واژه‌ی فارسی «یار» yār و در آوای سوم واژه‌ی «چای» čây	ی	y

نشانه‌ها و نمادهای غیر آوایی.

برای نشان دادن تبار و ریشه‌ی واژه‌ی لری.	[]
برای نشان دادن ریت دستوری واژه‌ی لری.	()
یا.	/
۱. نگاه کنید به منبع و ساختار ۲. نگاه کنید به مثال یا واژه‌ی پس از این نشانه.	←
نگاه کنید به واژه، ترکیب یا جملی پیش و پس از این نشانه.	↔
۱. واژه بازسازی شده یا فرضی است. ۲. بردن نمونه‌های لری پس از آن.	*
پیش از پسوند و پس از پیشوند آورده می‌شود.	-
ریشه و تبار واژه‌ی لری نامعلوم است.	[?]
واژه، ترکیب، جمله، ضرب المثل و کنایه‌ی در دوسوی آن، ساخت یا معنی یکسان دارد.	=
برای برجسته نشان دادن واژه، ترکیب یا جمله.	« »
نشانه‌ی کشش مصوّت.	:

پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی گویش بویراحمدی تاکنون سه کتاب تدوین شده است که در این جا به ترتیب زمان چاپ، معرفی می‌شوند.

۱. «نمونه‌ای از اشعار محلی مردم کهگیلویه و بویراحمد»، مؤلف: یعقوب غفاری، ۹۱ صفحه. این کتاب با یک پیش‌گفتار شروع می‌شود و پس از شرح کوتاهی از زندگی «کی لهراس»، گزیده‌ای از اشعار را در خود جای می‌دهد.

۲. «بررسی گویش بویراحمد»، مؤلف: افضل مقیمی، ۱۶۰ صفحه. این کتاب شامل یک پیش‌گفتار و ۶ فصل است. در پیش‌گفتار از موقعیت جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد سخن به میان آمده، و در فصل‌های شش‌گانه‌ی آن به ترتیب، توصیف دستگاه واجی، دستور زبان، ساختمان واژه، مقایسه‌ی لری با فارسی معیار، جمله، اشعار و واژگان، جدول دستگاه فعل آورده شده است.

۳. «فرهنگ لغات و اصطلاحات لری»، نویسنده: سید ابوالحسن حسینی بویراحمدی، ۲۹۶ صفحه. این اثر با یک مقدمه و معرفی تحت عنوان سرود ملی فرهنگی لری که مؤلف خود سراینده‌ی آن است آغاز می‌شود.

واژگان این کتاب، به ترتیب الفبایی آمده و آوانویسی شده است. نکته‌ی قابل توجهی که در آن به چشم می‌خورد، وجود برخی واژگان هم‌کار با فراموش‌شده‌ای است که در جای‌جای اثر آمده و حکایت از دیرینگی آن‌ها می‌کند، تا آن‌جا که گاه نام خانوادگی یا ریشه‌اند این قبیل واژگان را با ارجاع به نام مؤلف ثبت کنند، نویسنده‌ی این کتاب که از نخستین آموزگار این شهرستان بوده، بعضاً لغاتی را آورده است که هویتی ناآشنا دارند. به نظر می‌رسد که این لغات یا باید به منطقه یا روستای خاصی مربوط باشند، یا مدت‌ها است که کاربرد خود را از دست داده‌اند. این کتاب مورد استفاده‌ی گام به گام نگاران قرار گرفته است.

اما در این جا لازم است که از کتاب دو جلدی «لری نا برده» یاد کرد که تحت عنوان «فرهنگ عامیانه‌ی مردم منطقه‌ی کهگیلویه و بویراحمد» تدوین و چاپ شده و سرپرست آن بار ارزنده‌ای در شناخت واژگان، ضرب‌المثل‌ها، اشعار، باورها، چیستان‌ها، آداب و رسوم و بسیاری مطالب دیگر است. مؤلف این اثر دو جلدی سرکار خانم «سیمین ظاهری» است و این اثر در ۹۵۰ صفحه تدوین یافته است. جلد اول آن به ضرب‌المثل‌ها، باورها، چیستان‌ها، آداب و رسوم و اشعار و جلد دوم به واژگان اختصاص دارد. متأسفانه مطالب این دو کتاب آوانویسی نشده است. از آن‌جا که بخش‌هایی از مطالب این اثر در هر یک از قسمت‌های این کتاب باصاً به گویش مردم «کهگیلویه» به مرکزیت «دهدشت» مربوط می‌شود. نگارندگان با مراجعه‌ی مکرر به آن، مطالب را ترک و مرتبط با بویراحمد را گزینش کرده و مورد استفاده قرار داده‌اند.

۴. نوشته‌ی دیگری که به کهگیلویه مربوط می‌شود مقاله‌ای است تحت عنوان «گویش لری کهگیلویه: بررسی و توصیف نظام آوایی» که توسط «سید آیت‌الله رزمجو» و سید هیبت‌الله رزمجو» نوشته شده و در صفحات ۱۲۲-۹۷ مجله‌ی گویش‌شناسی، ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی اول و دوم، سال ۱۳۸۶ چاپ و منتشر شده است.

شیوه‌ی تحقیق:

مواد و داده‌های این پژوهش بر اساس دو شیوه گردآوری و ثبت شده‌اند:

۱. شیوه‌ی میدانی. ۲. شیوه‌ی کتابخانه‌ای.

در شیوه‌ی میدانی، آن‌گونه که معمول است پس از گفت‌وگو با گویش‌وران روستایی و ایل نشین بویراحمد علیا که سن آن‌ها بین ۵۰ تا ۷۰ سال بوده، مطالب، فیش برداری و ثبت گردیده و بعد از آن، فیش‌های گردآوری شده

با گویش‌وران دیگر در شرایط سنی مشابه بازخوانی شده و پس از تأیید صحت مطالب و اطمینان از کار انجام گرفته به ثبت نهایی رسیده است.

در شیوه‌ی کتاب‌خانه‌ای به سه گروه منابع کتبی مراجعه شده است: ۱. منابع اصلی و ترجمه‌ای معتبر برای بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های مادر، یعنی واژگانی که از دوره‌ی باستانی تاکنون در زبان فارسی و از آن جمله در گویش لُری بویراحمدی به کار رفته‌اند. ۲. فرهنگ فارسی معین، فرهنگ روز سخن، فرهنگ امثال سخن و فرهنگ لغات عامیانه به منظور یافتن اصل و ریشه‌ی واژگان، هویت دستوری، معانی روشن، علمی و ملموس آن‌ها، معانی جمله‌ها، نمونه‌ها و ضرب‌المثل‌ها. ۳. فرهنگ لغات و اصطلاحات لُری، فرهنگ عامیانه‌ی مردم منطقه‌ی کهگیلویه و بویراحمد برای مقابله‌ی فیش‌های گردآوری شده در شیوه‌ی میدانی و شفاف‌سازی معانی واژگان، جمله‌ها، نمونه‌ها و ضرب‌المثل‌ها.

سخنی که در باره‌ی زبان‌های ایرانی:

بر اساس مطالعات تطبیقی زبان‌شناسان بر روی زبان‌های مردم جهان پنج خانواده‌ی زبانی مهم شناخته شده است: ۱. خانواده‌ی هندواروپایی که زبان‌های فارسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، روسی، سوئدی، نروژی، دانمارکی، اندونزی، تونسی و بسیاری از زبان‌های دیگر از فرزندان این خانواده‌اند. ۲. خانواده‌ی سامی و حامی که زبان‌های عبری و عبری از فرزندان این خانواده‌اند. ۳. خانواده‌ی اورالی که زبان‌های لِنْدِه، مجاری، استونی، لاپونی و برخی زبان‌های متداول در سیبری از فرزندان این خانواده‌اند. ۴. خانواده‌ی آلتایی که زبان‌های ترکی، تاتاری، آلمانی قرقیز، مغولی از فرزندان این خانواده‌اند. ۵. خانواده‌های دیگر که در آسیا، آفریقا و آمریکا پراکنده‌اند و زبان‌شناسان درباره‌ی خویشاوندی آن‌ها با هم یک رأی نیستند.

زبان هندواروپایی که بزرگ‌ترین خانواده‌ی جهانی زبان است به دو شاخه‌ی «اروپایی» و «هند و ایرانی» تقسیم می‌شود. شاخه‌ی هند و ایرانی آن نیز دارای دو شعبه‌ی ایرانی و هندی است. از خانواده‌ی هندی، متن کتاب «ودا» که به زبان سنسکرت است و از شاخه‌ی ایرانی که به ایرانی باستان معروف است، زبان‌های مادی، سکایی، فارسی باستان و اوستایی به جای مانده است.

۱. زبان‌های ایرانی باستان:

۱. زبان مادی: این زبان به قوم ماد که نخستین سلسله‌ی پادشاهی ایران هستند، تعلق دارد. آن، جز تعدادی واژه که در نوشته‌های فارسی باستان و یونانی آمده، چیزی به جای نمانده است. ۲. زبان سکایی: این زبان، زبان قومی است که به نام سکاها معروف بوده‌اند و از هزاره‌ی اوّل پیش از میلاد مسیح تا هزاره‌ی اوّل میلادی از کنار دریای سیاه تا مرزهای چین زندگی می‌کرده‌اند. از این زبان تعدادی واژه در کتاب‌های یونانی، لاتینی و نوشته‌های هندی به جای مانده است. ۳. زبان فارسی باستان: این زبان در دوره‌ی پادشاهی هخامنشی رواج داشته و سنگ‌نوشته‌هایی از آن بر جای مانده است که به فرمان‌های پادشاهان هخامنشی معروف‌اند. خط الفبای این زبان ۳۶ نویسه یا حرف، ۲ واژه جدا کن و ۸ اندیشه نگار دارد. این خط که هجایی بوده، به سبب شباهت نشانه‌های الفبایی آن به میخ به خط میخی معروف است و از چپ به راست نوشته می‌شده است.

۱. ۴. زبان اوستایی: زبان اوستایی، زبان یکی از نواحی شرقی ایران بوده است. تنها اثری که از این زبان برجای مانده، کتاب «اوستا» است. این کتاب، به دو گویش نوشته شده است، یکی گویش «گاهانی» که «گاهان» یعنی سخنان خود زرتشت، بدان نوشته شده و دیگری گویشی که بخش‌های دیگر اوستا بدان تحریر یافته است، این گویش را گویش «جدید» نامیده‌اند. اوستا در آغاز سینه به سینه نقل می‌شده است. در دوره‌ی ساسانیان، الفبایی از الفبای زبور و پهلوی اختراع شد و با این خط، اوستا تدوین گردید. این الفبا را «الفبای اوستایی» یا «دین دبیری» نامیده‌اند. الفبای اوستایی ۴۸ نویسه یا حرف داشته است. در این الفبا برای هر یک از آواهای اوستایی یک نشانه‌ی خطی وجود دارد، این نشانه‌های الفبایی جدا از هم نوشته می‌شده و در هر جای کلمه که می‌آمده، یک صورت داشته‌اند. اوستای امروز، حدود یک سوم اوستایی دوره‌ی ساسانی است و ۲۱ «نسک» یعنی کتاب دارد. خط اوستایی از راست به چپ نوشته می‌شده است.

۲. زبان‌های ایرانی میانه:

دوره‌ی میانه از سقوط هخامنشیان آغاز می‌شود تا ابتدای دوره‌ی صفاریان که یعقوب لیث، زبان دری را زبان رسمی ایران اعلام کرد، ادامه دارد. زبان‌های دوره‌ی میانه به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. گروه ایرانی میانه‌ی غربی شامل فارسی میانه، پهلوی اشکانی. ۲. گروه ایرانی میانه‌ی شرقی شامل زبان بلخی، زبان سکایی، زبان سغدی و زبان خوارزمی.

۱. ۲. زبان‌های ایرانی میانه‌ی غربی:
 ۱. ۱. ۲. فارسی میانه: فارسی میانه، به زبان سکایی در دوره‌ی ساسانیان بوده، دنباله‌ی فارسی باستان است، آثار بازمانده از این زبان بسیار است و چهار دسته‌ی آن عبارتند از: ۱. کتیبه‌های پهلوی. ۲. زبور پهلوی. ۳. نوشته‌های زردشتیان شامل ترجمه‌های اوستا به فارسی میانه. ۴. متن‌های غیر دینی. ۴. نوشته‌های مانویان.
 ۲. ۱. ۲. پهلوی اشکانی: شامل آثار پهلوی اشکانی از دوره‌ی اشکانیان و آثار پهلوی اشکانی از دوره‌ی ساسانیان.
 ۲. ۲. زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی:

زبان بلخی، زبان سکایی، زبان سغدی و زبان خوارزمی از این جمله‌اند.

۳. زبان‌های ایرانی جدید:

دوره‌ی جدید به طور کلی از سده‌ی سوم هجری شروع می‌شود و تا کنون ادامه دارد، در این دوره، همه‌ی زبان‌هایی که در دوره‌ی میانه رایج بودند، جز زبان فارسی که ادامه‌ی منطقی آن‌هاست، از رواج افتاده‌اند. این زبان و گویش‌های جدید آن عبارتند از:

۱. ۳. زبان فارسی: این زبان که به فارسی دری معروف است از سده‌ی سوم هجری، با تأسیس دولت صفاریان رواج یافته و آن را با الفبای عربی می‌نویسند.
- زبان فارسی دری، اگرچه از نظر قواعد دستوری با فارسی میانه اختلاف چندانی ندارد، از دو جهت از آن متمایز می‌گردد: نخست، از جهت تغییر برخی از آواها و دیگر، از جهت واژگانی. واژگان فارسی دری با واژگان فارسی میانه اختلافات زیر را پیدا کرده است:

۱. واژگانی که از عربی به فارسی راه یافته‌اند. ۲. واژه‌هایی که تغییر معنی پیدا کرده‌اند. ۳. واژه‌هایی که از رواج افتاده‌اند. ۴. واژه‌هایی که برای دلالت بر مفاهیم جدید ساخته شده‌اند.
۲. ۳. زبان پشتو: این زبان در شرق افغانستان و شمال پاکستان رایج است.